

# نامه

ازگان مرکزی حزب توده ایران

## اطلاعات شکفت انگیز

### نامه‌ای از شیراز

۰۰۰ آنچه که مادر اینجا من یعنی جزای صحنه سازی  
جیز دیگری نیست اوضاع پرآشوب گوئی فارس برای گیشه  
در نین لیت دولت قردهند نمی‌کند نشانه‌ای است از عدم  
هم‌آهنشی دستگاه دولتی غیر از این نمی‌توان تعییری برای  
اینهاه اهالی و توطنه و موقوفه‌های آشکاریداً کرد.  
در فارس از هم اکون یک جادی سیاسی و اداری مفهود است. فقدان  
گزارش و اطلاعات سیبی که از منابع دولتی پیش‌بین و از یک طرف روحش  
تصیلی که عناصر مشکل در روای نامه های مبنی منتشر می‌کند از طرف  
دیگر چنان‌دو دور فارس را یک دیوار آتشین کشانده‌اند و السکار عموی  
در ایران را به مدنی که دارند سوچ می‌دهند.  
هر دخل فارس نیز با مضمون خوبین بدست اخناسی که کوشان از همه  
های متوجه شده بگزین سوچ سروخ است، جریان دارد.  
مردم و شست زده نی داند از چه کسی که بخواهد، پیش‌بین اشانی  
با خواص مدور ایلات و بند و سه‌های مشهودی که با عال رسی یکسانه  
دارند که شیراز آخنه استخار جان و مال و ناموسشان را تبدیل می‌کند؛  
به حال دنگ ایکان میکند می‌یند که غالابت این دست مکمل می‌لذت  
ظاهران است.

امنت از شورها رخت بر پسته، آذونه‌ها اختصار می‌فرمود، قیمت‌ها  
بوضع سراسم آوری بالا میزد و روزنامه‌های مدور آتش هنگ اصابات را داد  
میزند تایپیزی‌ها بگزینه ای است که سال‌ها را تقدیم خواش و آذونه از  
که از استعمال هر نوع اسلحه خودداری کنند. سوالی شیاز دستخوش خواست  
ویلایتی های که می‌پوشند ببره آذونه و پوشان ایجا خودرا می‌چایند آن امروری  
خانها که می‌پوشند که از این شیاز دستخوش خواست این میزند. مردم ماسح  
چیاول املاک مردم کارهای که از این شیاز دستخوش خواست که می‌گزینند  
چون دوجه‌ای ماننده بگزینند... و بایان ترتیب توچ دارند که مردم ماسح  
من مدارک خود را تقدیم می‌دارم تایپیز بتواید خفاوت کنید که چیزی که  
می‌پزد مردم و گلور دستخوش خیال سرویل های جانوسی امیریا بایست ها  
گردیده است.  
دو دوبل از سقوط پوش، های اسماهی از این در طی میان اکشان اشتاده  
خوده گزارش داده بودند که با بیان ملکه مه سره طیانی می‌توان پوش  
داخیت داد. برای اینکار پیروی عظیمی لازم نیست چند همایش و چند بدب  
می‌کنند. میزند.  
مذاکار از اینه، گزارش غلبانان، پهلویات کاشت تا مامات از شیاز دستخوش  
میزند که اینه اوضاع روش خوده چند ساعت بد مقوط پوشش نمی‌پیشند.  
پرستان و از آن جمله اسران با شهادت و دلالت بودند.  
بودند شاهد خیانت و دلالت  
ستون اعزامی بکیفت در آزاده متفق بود باید. سوال گردیده است.  
تبلیچه اینه از شهربند بودند. حتی راند کان بیست کاپیون حامل آذونه  
به واه اوتیاط دست داشتند. هر از اینه بودند. حتی راند کان بیست کاپیون حامل آذونه  
و مهیان که می‌پایشیستون افزایی ملعن شود باور نیکرند. اینه که می‌پزد  
در آزاده توکه دارند و سکره جانش خیزی و ایله اند و سلامت پیش از  
و پیش از اینه اما شون هنچان در آزاده، شاید مشغول مطالعه در طرز ساختن  
میزند کارهای اینه اینه بوده است.  
تازه پس از سرک متون سلسله خرابکاری ها قطع شده است فرمانده  
متون بیرون وجود همیکوهه شنیده دو روز در اندیاه تنک آب باریک دستور  
تزویج می‌دهد. هوا پیامدی اکشانی - ون را از آزادی واه مطلع می‌سازند.  
سیالک متون در مدخل تنک متوف می‌باشد.  
از آن طرف در شیراز ... چهارصد سوار ملاح قشلاقی از  
پاریته یک کیلوه‌تری هیان شیراز و باغ نجف « محل یادگار »  
عبور می‌گذند... دیدبان های ارش فرمانده لشکر را از این  
قتل و انتقام جزیک ها مطلع می‌نمایند و برای جادوگیری از  
آنها کش تکلیف می‌گذند. سر لشکر زاهدی آنها را از هر  
نوع « تفرض » ! منع می‌کند. جزیکها رژه نمی‌رفند. آنها  
اسب می‌پیشند. تازه اندند تازه باریک را اشغال نمایند و مانع عبور  
پیش از در ملته ۸

### سائل حزبی و تشکیلاتی

## علت موافقیت چیست؟

### اردشیر آوالیان

هر عدم موافقیت شکست نیست  
چاده مبارزه سیاسی هرگز صاف و  
موارد نیست. باز ها دیده شده است که جزء  
که در یک ولات با ولایات و ایالت  
خود خوده تصفیه شده و افراد اصلی دلکار  
بی‌پاک شانه می‌شوند. درین این  
متصد اوضاع محله‌ی بزرگ دارند. کلوب  
های اشغال کرده و یا آتش می‌زینند  
ضفت آنان را تنهیم می‌دهند و این  
مبارزه با آنان را می‌آموزد. خلاصه  
آن اصاله هم پذیر و هم پذرخواز جزء  
است. از اینه ایشان مونا امور حزبی  
و اتحادیه ای را متوف می‌سازد پسرو  
و پا شهادت و شهادت پیرون می‌آید.  
پیش از اینه درین اینه ایشان

### قوی دیج

در اینشونی که به ایکمته اقامات در طیران هزار  
تیریز هشتی از گله و نقایق هر بر ما، از کیت هر کی حزب  
توده ایران و نویسه کان و میرو می‌شین از نویسه کار روزنایه  
ایران ها و مخصوصا از میادهاری آقایان امر خیزی و دکر  
بودت که در مدت اتفاقات پنجه و پنجه باید لطف و همراهی از اینها  
بدیرانی که اندانه شکر و خدا حافظی می‌کنند و چون بواسطه  
عدم امکان مابلاقات فرقه و نقایق هریز خودمان نالی نشیم بین  
و سیله صدروت من طیروم  
نایانه کان هر آن از اینه های  
شیده - جیب الی - نخن شنکانی  
تایپیان یا سایه این نیره هیان  
تیرهان

## آقای دکتر کشاورز وزیر فرهنگ در مراسم تقسیم جوانان و تصدیق‌نامه‌ها

### نطق و گزارش

## هجوم خصم‌های به حیثیت و شرافت ملت ایران با تبیغات تدابعی رادیو لندن

پریش رادیو لندن در کتابی داشت این را و جراید آزاده‌ها و  
میهن برستان کشور ما نمود. صفحه  
بناد تبلیغات گوش خراش خود. صفحه  
این دهنه دیگر وادو لندن سی  
نکره ای باز که دو باسم « تبلیغات تدابعی »  
یک ملته دشمن و پدگویی بی‌سابقه  
و مطلق ظاهر غریب و بی‌باشه پیشین  
را هم رعایت نماید پسوند کشور نموده  
درست پیدا و داده بین و تبلیغات مرخوم  
کوئی می‌داند.  
راد و لندن پرده ظاهری را که  
کوشش می‌نمود بر داده مقاصد حقیقی  
خود. پنکه این‌قدر بگذشت بلکه هفته ۵۰  
« خوش نایر » خواه بیان ای که این  
اوخر می‌خواست بست آزاده‌ها و  
ایران شان پدیده کمال فراموش شد و  
بجای نیش ها و کنایه ها - دشمن ها  
و بدگویی های و قیامه نسبت آزاده‌ها و  
ایران شمار غرار گرفت.  
ایران شمار غریب گرفت.  
مانعیز لندن نایان رادیو لندن  
راد لیلی بر پیروزی تبلیغاتی مطیعه می‌گردید  
از تحریکات و عملیات خداستگار و آزادی  
کشور خود رفاقت شفیر و از جار شده است  
من دانم. پیش در میان

یکمال توانست بکار خودش مشغول  
شود بقدمت او شانه دهنده اینها و  
شاهنشاه و چنان اشرف و آقایان و زیران  
می‌شند. درین موقع آقای دکتر کشاورز  
شروع بیان گزارش جالبی کردند و  
بچه درسته

من بنام کارمندان و وزارت فرهنگ  
از آموزه کاران و دیران و اطبیضرت  
شاهنشاه و چنان اشرف و آقایان و زیران  
از اینه در این چشم همیز گار که فرهنگ  
که برای تقسیم جوانان و تصدیق‌نامه  
بریا می‌شود مارا مذهب کردند اینه  
میکنم، مثاونه تاریخ ملته متوجه قابل  
ملکت مایه با تاریخ ملته متوجه قابل  
مقایسه نیست.

امروز بایه برای بیرون وضع

آموزه کاران و دیران کوشش هود نمایم  
آنها بدانند اینه ای اینه ای است از عدم

هم‌آهنشی دستگاه دولتی غیر از اینه  
اینهاه اهالی و توطنه و موقوفه‌های آشکاریداً کرد.

در فارس از هم اکون یک جادی سیاسی و اداری مفهود است. فقدان

گزارش و اطلاعات سیبی که از منابع دولتی پیش‌بین و از یک طرف روحش

تصیلی که عناصر مشکل در روای نامه های مبنی منتشر می‌کند از طرف

دیگر چنان‌دو دور فارس را یک دیوار آتشین کشانده‌اند و السکار عموی

در ایران را به مدنی که دارند سوچ می‌دهند.

در داخل فارس نیز باز مضمون خوبین بدست اخناسی که کوشان از همه

های متوجه شده بگزین سوچ سروخ است، جریان دارد.

مردم و شست زده نی داند از چه کسی که بخواهد، پیش‌بین اشانی

با خواص مدور ایلات و بند و سه‌های مشهودی که با عال رسی یکسانه

دارند که شیراز آخنه استخار جان و مال و ناموسشان را تبدیل می‌کند؛

به حال دنگ ایکان میکند می‌یند که غالابت این دست مکمل می‌لذت

ظاهران است.

امنت از شورها رخت بر پسته، آذونه‌ها اختصار می‌فرمود، قیمت‌ها

بوضع سراسم آوری بالا میزد و روزنامه‌های مدور آتش هنگ اصابات را داد

میزند تایپیزی‌ها بگزینه ای است که سال‌ها را تقدیم خواش و آذونه از

خانها که می‌پوشند ببره آذونه و پوشان ایجا خودرا می‌چایند آن امروری به

چیاول املاک مردم کارهای که از این شیاز دستخوش اند... و بایان ترتیب توچ دارند که مردم ماسح

چه نوع دوجه‌ای ماننده

من مدارک خود را تقدیم میدارم تایپیز بتواید خفاوت کنید که چیزی که

می‌پزد مردم و گلور دستخوش خیال سرویل های جانوسی امیریا بایست ها

گردیده است.

دو دوبل از سقوط پوش، های اسماهی از این در طی میان اکشان اشتاده

خوده گزارش داده بودند که با بیان ملکه مه سره طیانی می‌توان پوش

داخیت داد. برای اینکار پیروی عظیمی لازم نیست چند همایش و چند بدب

می‌کنند. میزند.

مذاکار از اینه، گزارش غلبانان، پهلویات کاشت تا مامات از شیاز دستخوش

میزند که اینه اوضاع روش خوده چند ساعت بد مقوط پوشش نمی‌پیشند.

پرستان و از آن جمله اسران با شهادت و دلالت بودند.

بودند شاهد خیانت و دلالت

ستون اعزامی بکیفت در آزاده متفق بود باید. سوال گردیده است.

تبلیچه اینه از شهربند بودند. حتی راند کان بیست کاپیون حامل آذونه

به واه اوتیاط دست داشتند. هر از اینه بودند. حتی راند کان بیست کاپیون حامل آذونه

و مهیان که می‌پایشیستون افزایی ملعن شود باور نیکرند. اینه که می‌پزد

در آزاده توکه دارند و سکره جانش خیزی و ایله اند و سلامت پیش از

و پیش از اینه اما شون هنچان در آزاده، شاید مشغول مطالعه در طرز ساختن

میزند کارهای اینه اینه بوده است.

تازه پس از سرک متون سلسله خرابکاری ها قطع شده است فرمانده

ستون بیرون وجود همیکوهه شنیده دو روز در اندیاه تنک آب باریک دستور

تزویج می‌دهد. هوا پیامدی اکشانی - ون را از آزادی واه مطلع می‌سازند.

سیالک متون در مدخل تنک متوف می‌باشد.

از آن طرف در شیراز ... چهارصد سوار ملاح قشلاقی از

پاریته یک کیلوه‌تری هیان شیراز و باغ نجف « محل یادگار »

عبور می‌گذند... دیدبان های ارش فرمانده لشکر را از این

قتل و انتقام جزیک ها مطلع می‌نمایند و برای جادوگیری از

آنها کش تکلیف می‌گذند. سر لشکر زاهدی آنها را از هر

نوع تفرض ! منع می‌کند. جزیکها رژه نمی‌رفند. آنها

اسب می‌پیشند. تازه اندند تازه باریک دستور

اجتناب مطرح است و باید تینش شود

پیش از کان آن طبقه و دسته و پا و کل

ستون در مدخل تنک متوف می‌باشد.

از آن طرف در شیراز ... چهارصد سوار ملاح قشلاقی از

پاریته یک کیلوه‌تری هیان شیراز و باغ نجف « محل یادگار »

عبور می‌گذند... دیدبان های ارش فرمانده لشکر را از این

قتل و انتقام جزیک ها مطلع می‌نمایند و برای جادوگیری از

آنها کش تکلیف می‌گذند. سر لشکر زاهدی آنها را از هر

نوع تفرض ! منع می‌کند. جزیکها رژه نمی‌رفند. آنها

اسب می‌پیشند. تازه اندند تازه باریک دستور

اجتناب مطرح است و باید تینش شود

پیش از کان آن طبقه و دسته و پا و کل

ستون در مدخل تنک متوف می‌باشد.

از آن طرف در شیراز ... چهارصد سوار ملاح قشلاقی از

پاریته یک کیلوه‌تری هیان شیراز و باغ نجف « محل یادگار »

عبور می‌گذند... دیدبان های ارش فرمانده لشکر را از این

قتل و انتقام جزیک ها مطلع می‌نمایند و برای جادوگیری از

آنها کش تکلیف می‌گذند. سر لشکر زاهدی آنها را از هر

نوع تفرض ! منع می‌کند. جزیکها رژه نمی‌رفند. آنها

اسب می‌پیشند. تازه اندند تازه باریک دستور

اجتناب مطرح است و باید تینش شود

پیش از کان آن طبقه و دسته و پا و کل

ستون در مدخل تنک متوف می‌باشد.

از آن طرف در شیراز ... چهارصد سوار ملاح قشلاقی از

پاریته یک کیلوه‌تری هیان شیراز و باغ نجف « محل یادگار »













